

## کتاب «به دنبال پدر» روانه بازار نشر شد

کتاب «به دنبال پدر (پندهای امام علی(ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه)» اثر سیدمهدی سیدی منتشر شد.



کتاب «به دنبال پدر (پندهای امام علی(ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه)» اثر سیدمهدی سیدی منتشر شد.

به گزارش خبرنگار مهر، کتاب «به دنبال پدر (پندهای امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه)» اثر سیدمهدی سیدی در ۱۱۲ صفحه به همت مؤسسه بوستان کتاب به چاپ رسید.

انسان امروز، هزار و یک مشکل ندارد؛ مشکل او فقط یکی است: «بی معنایی». ما در عصر هزاره ها، در محاصره فناوری ها و اسارت شتاب ها، افزون شده ایم! آنچنان که خود را فراموش کرده ایم و در توهم خود ساخته، همه چیز را بازی انگاشته و ثانیه های خود را در غفلت و اضطراب باخته ایم.

این کتاب، شرحی کاوشگرانه بر یک متن حیات آفرین؛ نامه ۳۱ نهج البلاغه که در آن امیرالمومنین علی (ع) توصیه هایی را خطاب به فرزندشان امام حسن مجتبی (ع) مکتوب کرده اند. این نامه اکسیر حیات است؛ چرا که کلام علی - ساقی قلب های - تشنه بزرگترین درمان برای «بی معنایی بشر» است.

### ساختار اثر

این اثر در قالب ۲۷ پرتو که همان پندهای حضرت بوده، به رشته نگارش درآمده است؛ عناوین برخی از مباحث مطرح شده در این اثر عبارتند از: «چشم‌هایت را ببند»، «به سوی خدا رها شو»، «با پدر همراه شو»، «با فهم و صبر توانایی را تجربه کن»، «بخواه تا بشود»، «عمرت رو به اندازه تاریخ طولانی کن»، «در برابر اشتیاق کور مقاوم باش»، «باور کن فقط خدا هست و دیگر هیچ»، «در دنیا بیش از یک مسافرخانه معطل مشو»، «ترازوی بین خود و دیگران باش»، «خود را مپرست و راه را بیاب»، «بر دلت شعاعی از نور بتابان»، «احتمال بده که شاید به آرزویت نرسی»، «راز بیوشان و نهان پنهان دار»، «از راه های بسته نترس»، «جهان آینده را با دیروز بشناس»، «فرصت شناس و زماندار باش».

### عمرت را به اندازه تاریخ طولانی کن

شاید گمان کنی پدر هم مانند تو پر از خطا و نادانی است و او هم عمری نظیر عمر تو داشته و از این رو چگونه می خواهد راهنمای نادانسته های تو باشد؟ پس از او می پرسی و او را خطاب می کنی و اعتراض را کودکانه به رخ می کشی و مثل همیشه، او با سکینه و وقار آماده است تا حرف دلت را بشنود و پدران پاسخ دهد:

«ای فرزند! گرچه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده ام، ولی در کارشان نگرسته و در سرگذشتشان اندیشیده و در آثارشان سیر نموده ام، تا آنجا که گویی خود یکی از آنان شده ام. آنچه از آنان به من رسیده، چنان است که انگار از آغاز تا انجام با آنان زیسته و دریافته ام که در کارها آنچه صاف و عاری از خطاست، کدام است و آنچه تیره و نادرست است، کدام؟ چه کاری سودمند است و چه کاری زیان آور؟ پس برای تو از هر عمل، پاکیزه ترین آن را برگزیدم و زیبا و پسندیده اش را اختیار کردم و آنچه را مجهول است و سبب سرگردانی تو شود به یک سو نهادم و چنان پدری شفیق که در کار فرزندش می نگرد، در کار تو نگرستم و برائت از ادب، چیزها اندوخته که بیاموزی و به کاربندی و تو هنوز در روزهای آغازین جوانی هستی و در عنفوان آن، هنوز نیستی پاک داری و نفسی دور از آلودگی».

این گونه است که پدر، سفره بی نظیر پیش رؤیت پهن کرده، سرشار از انتخاب ها و بایدها و نبایدها؛ فقط باید اعتماد کنی و از این سفره گزیده، لقمه برداری.

..... او می داند که این زندگی پر از شبهه و تلاطم است و اندیشه های نو به نو و بزک کرده و جذاب، پیش روی دختران و پسران عالم خودنمایی می کند و آنها را در سرزمین عقاید رنگارنگ، خبرهای پراکنده، علم نمایی های تهی دستانه، سرگردان و حیران به هر سو می کشاند.... پدر از این ماجرا نگران است؛ پس باید برائت کاری کند: «سپس ترسیدم که مبدا آنچه سبب اختلاف عقاید و آرای مردم شده و کار را بر انسان مشتبه نموده است، تو را نیز به اشتباه اندازد. در آغاز نمی خواستم تو را به این راه

کشانم، ولی با خود اندیشیدم که اگر در استحکام عقاید بکوشم، بهتر از این است که تو را تسلیم جریانی کنم که تو را به هلاکت می اندازد. پس بدان امید بستم که خداوند، تو را به رستگاری توفیق دهد و راه راست را به تو نشان دهد. پس کاربست این وصیتم را به تو سفارش می کنم».